

# زبان فارسی و کوشش‌های ایرانی

سال چهارم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۸  
صفحات ۱۶۴-۱۴۵

## بررسی حدنمایی حروف اضافه در زبان فارسی از منظر زبان‌شناسی شناختی

کتایون کوچکی‌زاد<sup>۱</sup>

دکتر هنگامه واعظی<sup>۲</sup> ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی حدنمایی انواع حروف اضافه در زبان فارسی و فضاهای متفاوت حرکتی آنها برپایه رویکرد شناختی جکندوف (۱۹۸۳) و زوآرت (۲۰۰۵) می‌پردازد. حروف اضافه مسیری فارسی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: مسیرهای محدود که در آنها نقطه‌ای مشخص برای مبدأ و مقصد تعیین می‌شود. از این رو آنها، مسیرمبدأها (مانند از، از بالای، از بیرون و ...) و مسیرمقصدها (به، تا و ...) نامیده می‌شوند؛ مسیرهای جهتی (به سوی یا به طرف و ...) که جهت کلی حرکت را می‌رسانند؛ خط سیری (از بالای در عبارت از بالای چیزی گذشتن و یا از روی چیزی رد شدن) که فقط به نقطه‌ای در طول حرکت از نظر زمانی اشاره می‌کنند. بررسی فضای حرکتی هر یک از آنها نشان می‌دهد که حروف اضافه فارسی سه حالت محدود، نامحدود و مشترک میان آن دو (هم محدود و هم نامحدود) را در بر می‌گیرد. اما نکته اینجاست که حروف اضافه را نمی‌توان به تنهایی و فارغ از جمله به صورت محدود و نامحدود دسته‌بندی نمود؛ بلکه به کاربرد آن در جمله و نوع فعل نیز بستگی دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در مقایسه با زبان‌های دیگر مانند انگلیسی، خط مرز قاطعی میان محدودیت و نامحدودیت حروف اضافه بدون کاربرد آن در جمله وجود ندارد.

واژگان کلیدی: حرف اضافه، مکان، مسیر، محدود، نامحدود

۱. کارشناس ارشد گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

۲. استادیار گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

✉ hengamehvaezi@yahoo.com

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

در زبان‌شناسی امروز سه تفکر وجود دارد که از سه منظر زبان را مطالعه می‌کند. صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و شناخت‌گرایی. هر یک از این رویکردها دارای زیرمجموعه‌ها و طرفداران خودند. زبان‌شناسی شناختی بر مبنای مطالعه ذهن و شناخت پایه‌ریزی شده‌است. عده‌ای همچون لیکاف، لانگاکر و تالمی از پایه‌گذاران این مکتب هستند. در چنین رویکردی تعامل حوزه‌ها و معنای بافتی اهمیت دارد. دیدگاه این زبان‌شناسان در تقابل با آرای چامسکی است که به استقلال نحو و زیایی آن اعتقاد دارد. یکی از افرادی که با رویکرد شناختی به بررسی‌های زبانی پرداخته‌است، جکندوف است. جکندوف (۱۹۸۳) به معناشناسی مفهومی با تمرکز بر مؤلفه‌های معنایی به طور خاص توجه کرده‌است.

حروف اضافه توجه زبان‌شناسان شناختی زیادی را به خود جلب کرده‌است. بروگمن، لیکاف، ایوانز و گرین از مهم‌ترین کسانی هستند که مطالعاتی بر حروف اضافه انگلیسی کرده‌اند. در زبان فارسی هم پژوهش‌های زیادی از دیدگاه شناختی شده‌است. یکی از موارد بررسی حروف اضافه از نظر زمانی و مکانی است که ظرف مکان و زمان برای رویدادهای افعال معرفی شده‌اند. یکی دیگر از پژوهش‌ها حدنمایی در حروف اضافه است. حروف اضافه در درک معنای جمله اهمیت بسیاری دارند. به‌همین دلیل در رویکرد شناخت‌گرایی به حروف اضافه توجه خاصی شده‌است. در این پژوهش نگارندگان قصد دارند حروف اضافه را با توجه به ویژگی مطرح در زمان و مکان به نام حدنمایی بررسی کنند. چنین پژوهشی پیش از این نشده‌است و به‌نظر می‌رسد حروف اضافه را می‌توان با توجه به عملکرد مفهومی بر مقید بودن یا نبودن به چند دسته اصلی و فرعی طبقه‌بندی کرد. اما پرسش اصلی این است که آیا در این زبان مرز قاطعی میان فضای محدود و نامحدود حروف اضافه‌های فارسی می‌توان رسم کرد.

## ۲- پیشینه پژوهش

غلامعلی‌زاده (۱۳۷۷) معتقد است که حرف اضافه، هسته گروه حرف‌افزاده‌دار است که با گروه اسمی به‌کار می‌رود تا بر آن نقش نحوی مفعول منتسب نماید. به نظر او حروف‌افزاده زبان فارسی، به غیر از را، همیشه پیش از گروه اسمی خود ظاهر می‌شود و نقش آن را مشخص می‌کنند. وی در بررسی‌های خود حروف‌افزاده فارسی را از نظر صوری دو قسم می‌داند: ساده و مرکب.

گلفام و یوسفی‌راد (۱۳۸۵) معتقدند مفاهیمی که حروف‌افزاده مکانی بیان می‌کنند، از مفاهیم شناختی اولیه ما هستند. حروف‌افزاده مکانی منبعی غنی برای مطالعه در حوزه

معنی‌شناسی شناختی محسوب می‌شوند. آنها به بررسی حروف اضافه مکانی در چارچوب شناختی حرف اضافه در/ توی در زبان فارسی پرداخته‌اند و با تعریف مفاهیمی چون طرحواره تصویری، شکل و زمینه و مفاهیم نقطه متحرک<sup>۱</sup> و نقطه ثابت<sup>۲</sup> تبیین گویاتری از حروف اضافه مکانی در زبان فارسی عرضه کرده‌اند.

گلفام، عاصی، آقاگل‌زاده و یوسفی‌راد (۱۳۸۸) با نگاه شناختی به بررسی معناشناختی حرف اضافه مکانی «از» در زبان فارسی پرداخته‌اند. آنها معتقدند معانی و کاربردهای «از» با هم شباهت خانوادگی دارند و یک شبکه معنایی می‌سازند. این حرف اضافه دارای یک شبکه معنایی است با گره‌های متعدد که ارتباط بین این گره‌ها از طریق شباهت خانوادگی برقرار می‌شود و هرچه گره‌ها به هم نزدیک‌تر باشند، شباهت بیشتری با یکدیگر دارند و هرچقدر دور از هم باشند، این ویژگی مشترک را ندارند. علاوه بر آن، نشان داده‌اند که رویکرد شناختی نسبت به رویکردهای سنتی، می‌تواند تحلیل بهتری از معناشناختی حروف اضافه مکانی به دست دهد. زیرا روابط مفهومی بین این معانی را هم نشان می‌دهد.

راسخ‌مهند (۱۳۸۹) به بررسی معانی حروف اضافه مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی پرداخته و تعدادی از حروف اضافه مکانی در زبان فارسی از قبیل «روی، پایین، بالای، زیر، توی» را بررسی کرده‌است و نشان داده که چگونه معنی‌شناسی شناختی می‌تواند دیدی متفاوت برای ضبط معانی این حروف به دست دهد. سپس پیشنهادهایی درباره فرهنگ‌نویسی این حروف اضافه ارائه می‌کند. به اعتقاد وی، فرهنگ‌نویسان می‌توانند با بهره‌گیری از دستاوردهای معنی‌شناختی، نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر در فرهنگ‌نویسی داشته باشند.

مهدی بیرقدار و درزی (۱۳۹۰) به بررسی حذف حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما پرداخته‌اند و عناصر فضایی را به دو دسته حروف اضافه فضایی و عناصر مکان‌نما تقسیم کرده‌اند. علاوه بر آن عناصر مکان‌نما را براساس اختیاری و اجباری بودن کسره به دو دسته تقسیم کرده‌اند. به اعتقاد آنان عناصر «تو، رو، جلو، پهلو، بالا» به صورت اختیاری کسره می‌گیرند و عناصر داخل، «ته، پشت، کنار و ...» به صورت اجباری. آنان ضمن بررسی اجمالی شباهت‌ها و تفاوت‌های عناصر مکان‌نما، گروه‌های اسمی و گروه‌های حرف اضافه‌ای، طبقه‌بندی معنایی سه‌گانه تیلر و ایوانز از حروف اضافه فضایی و عناصر مکان‌نما را در زبان

1. Trajectory (TR)
2. Landmark (LM)

فارسی ارائه کرده و نشان داده‌اند که امکان حذف این حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما وابسته به عواملی است.

زاهدی و محمدی زیارتی (۱۳۹۰) به بررسی حرف اضافه «از» در زبان فارسی با رویکرد معاشناسی شناختی پرداخته‌اند. مفهوم پیش‌نمونه‌ای این حرف اضافه را مفهومی کانونی قرار داده و سپس شبکه معنایی آن را ترسیم کرده‌اند. همچنین معانی مستقیم و غیرمستقیم و همچنین عینی و انتزاعی آن را نشان داده‌اند.

مشکوه‌الدینی (۱۳۹۱:۱۱۲) در تعریف حروف اضافه چنین می‌گوید: به دسته محدود و مشخصی از واژه‌ها که از لحاظ صورت ثابت‌اند و فقط در جلوی گروه اسمی ظاهر می‌شوند و از لحاظ معنی به زمان، مکان، سو، و یا نوعی محدودیت اشاره می‌کنند و از این راه نقش یا رابطه دستوری خاص گروه اسمی همراه را نیز نشان می‌دهند، حرف اضافه گفته می‌شود.

راسخ‌مهند و رنجبر ضرابی (۱۳۹۲) به بررسی حروف اضافه «در» و «سر» در زبان فارسی پرداخته و شبکه معنایی آنها را نشان داده‌اند و همچنین معانی اولیه و معانی متفاوت هر حرف اضافه را تعیین کرده و ثابت کرده‌اند که این معانی متفاوت به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از معانی اولیه منشعب شده‌است. سپس با شبکه معنایی هر حرف اضافه نشان داده‌اند که معانی انتزاعی حروف اضافه بر پایه معانی عینی آن شکل گرفته‌است. به عبارت دیگر، معنای عینی (مکانی) بر معنای انتزاعی (زمانی) تقدم دارد.

مختاری و رضایی (۱۳۹۲) به بررسی شناختی شبکه معنایی حرف اضافه «با» در زبان فارسی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند حرف اضافه «با» دارای شبکه معنایی منسجمی است که در آن، مفاهیم گوناگون این حرف اضافه در قالب سه خوشه معنایی؛ خوشه توافقی، تقابلی و وضعیتی، حول محور یک معنای سرنمونی، که همان معنای مجاورت و همراهی است، در قالب ساختاری شعاعی قرار گرفته‌اند.

به نظر ماهوتیان (۱۳۹۳: ۶۶) حروف اضافه بر حسب عرف به دو نوع تقسیم می‌شود: حروف اضافه ساده و حروف اضافه‌ای که جزء اضافه می‌گیرند. حرف اضافه ساده قبل از اسم و چسبیده به آن می‌آید، مانند با ما، در اداره. همچنین «از، به، بی، تا، جز، برای» از دیگر حروف اضافه ساده هستند. گروه دیگر، حروف اضافه‌ای که جزء اضافه دارند و از اسم و قید مشتق شده‌اند مانند پشت، بیرون، میان، نزدیک، زیر، توی، روی، جلو، پهلوی.

بامشادی و انصاریان (۱۳۹۳) به بررسی حرف اضافه «تا» در زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی پرداخته و معانی گوناگون آن را، هم به عنوان پیش‌افزوده و هم به عنوان پیونددهنده (حرف ربط) بررسی کرده‌اند. سپس به کمک الگوی چندمعنایی به بررسی چندمعنایی این حرف اضافه پرداخته و دو شبکه معنایی از آن ترسیم کرده‌اند. آنان همچنین عناصر مکانی زبان فارسی را در چهارچوب معناشناسی مکانی بررسی کرده‌اند و به بررسی واژه‌هایی در زبان فارسی پرداخته‌اند که از نظرشان چالش‌انگیز بوده‌است و شباهت زیادی به مقوله اسم و تفاوت بسیاری با حروف اضافه دارند؛ سپس نشان داده‌اند این عناصر مکانی، در معناشناسی مکانی، اسم جایگاه‌نا نمایده می‌شود. به اعتقاد آنان اسم‌های جلو، پشت، عقب هم قاب ارجاع شیء بنیاد دارند یعنی برخی چیزها مانند خودرو، خانه و ... جلو و پشت مشخصی دارند، و هم قاب ارجاع دیدگاه‌بنیاد دارند، بدین معنا که برخی چیزها جلو و سمت مشخصی ندارند و بستگی به دیدگاه گوینده دارد مانند دیوار، میز، درخت.

### ۳- چارچوب نظری

جکندوف<sup>۱</sup> در بررسی معناشناختی خود به گروه حرف اضافه و نقش آنها به لحاظ معنایی علاوه بر ساختار توجه ویژه‌ای دارد. از منظر وی بررسی زبان‌شناختی با توجه به سطوح متفاوت نحوی، معنایی و کاربردی امکان‌پذیر است. وی در توصیف گروه حرف اضافه به مفاهیمی چون مسیر<sup>۲</sup>، مکان<sup>۳</sup> و ارجاع<sup>۴</sup> اشاره دارد. وی به‌طور کلی در توصیف و بررسی خود به انطباق معنا و نحو باور دارد. برای مثال در جمله *The man put the book on the table* هسته جمله را فعل می‌داند که در این مثال *put* (گذاردن) است. در چارچوب زیرمقوله‌ای خود فاعل (NP)، مفعول مستقیم (NP) و یک گروه حرف اضافه (PP) دارد. همگی این وابسته‌های نحوی<sup>۵</sup> با رویدادی در جمله ارتباط دارند. در خوانش معنایی و مفهومی دیدگاه جکندوف، سه وابسته با سه مفهوم شیء، مکان (و مسیر) مرتبط هستند که به شکل زیر نمایش داده می‌شود:

$$\left[ \begin{array}{c} \text{EVENT} \\ \text{PUT} \left( \left[ \begin{array}{c} \text{THING} \\ \text{the man} \end{array} \right], \left[ \begin{array}{c} \text{THING} \\ \text{the book} \end{array} \right], \left[ \begin{array}{c} \text{PLACE} \\ \text{on the table} \end{array} \right] \right) \end{array} \right]$$

1. Jackendoff
2. Path
3. Place
4. reference
5. arguments
6. event

وی در بررسی خود به طور همزمان، ساخت نحوی را با خوانش معنایی مربوط می‌داند و تعامل میان آن دو را فرض مسلم در بررسی‌های زبانی تلقی می‌کند. از نظر وی گروهی از حروف اضافه، حرف‌اضافه لازم<sup>۱</sup> به شمار می‌آیند که بدون هیچ وابسته‌ای ظاهر می‌شوند، یعنی به‌تنهایی می‌آیند، مانند forward, downstairs, that away. اما در گروه دیگر که حروف اضافه متعددی<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند، حروف اضافه به‌تنهایی نمی‌آیند بلکه پس از آن یک گروه اسمی می‌آید که شیء ارجاعی<sup>۳</sup> را نشان می‌دهد، مانند on the book, under the counter, in the can. گاهی ممکن است از دو شیء ارجاعی هم نام برده شود، مانند between the across the road from the firehouse square and the circle، در هر دو مثال نقش گروه حرف اضافه به منزله یک واحد است. در واقع، گروه اسمی پس از حرف اضافه، شیء ای است که آشکار به آن اشاره شده‌است. در بررسی جکندوف بعضی از حروف اضافه‌ها مکان‌نما هستند و بعضی مسیرنما.

a. [شیء] مکان‌نما مکان] [

in the room, on the table, between the trees, under the house

b. [شیء] مکان‌نما مکان] مسیرنما مسیر] [

from in the room, from on the table, from between the trees, from under the house

c. [شیء] مکان‌نما مکان] مسیرنما مسیر] [

in (to) the room, on (to) the table, between the tress, under the house

[مسیرها] در مقایسه با [مکان‌ها] ساختار متنوع‌تری دارند. در [رویداد]ها و [حالت‌های

ایستایی] نقش متنوع‌تری ایفا می‌کنند و ممکن است یکی از سه نقش کاربردی را دارا باشند:

الف- حرکت و جابه‌جایی<sup>۴</sup>:

یک [مسیر] ممکن است با یک [شیء] پیموده شود. در این حالت در هر لحظه از زمان در یک

مکان جدید قرار می‌گیرد (مانند نمونه‌های a).

a. ([THING] traverses [PATH])

John ran into the house. (Bounded)

The mouse skittered toward the clock. (Direction)

The train rambled along the river. (Route)

1. intransitive

2. transitive

3. reference object

4. traverse

ب- امتداد<sup>۱</sup>:

یک [شیء] ممکن است در یک [مسیر] امتداد یابد. در اینجا فاعل جمله در حال حرکت، استنباط نمی‌شود (مانند نمونه‌های b).

b. ([THING] extends over [PATH])

The highway extends from Denver to Indianapolis. (Bounded)

The flagpole reaches (up) toward the sky. (Direction)

The sidewalk goes around the tree. (Route)

پ- سوگیری یا جهت<sup>۲</sup>:

یک [شیء] ممکن است جهت یک [مسیر] را برساند. در اینجا هم، فاعل جمله مسیر را طی نمی‌کند بلکه صرفاً جهت آن را نمایش می‌دهد (مانند نمونه‌های c).

c. ([THING] is oriented along [PATH])

The sign points to Philadelphia. (Bounded)

The house faces away from the mountains. (Direction)

The cannons aim through the tunnel. (Route)

زآرت<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نیز با پیروی از دیدگاه جکندوف بیان می‌دارد که آنچه گروه‌های حرف اضافه‌ای محدود (مانند به خانه) را از گروه‌های حرف اضافه‌ای نامحدود (مانند به سوی خانه) متمایز می‌سازد، این است که مسیر در گروه‌های حرف اضافه‌ای نامحدود قابلیت افزایش یا کاهش دارد، درحالی‌که گروه‌های حرف اضافه‌ای محدود این گونه نیستند و مقدار مسیر ثابت و افزایش‌پذیر نیست. وی معتقد است عملکرد حروف اضافه از لحاظ معنایی کاملاً شبیه اسم‌ها و فعل‌هاست. به این طریق، تمایز بین محدود و نامحدود که پیش‌تر در مقوله فعل و اسم مطرح بود، برای حروف اضافه نیز مطرح می‌شود. پس می‌توان این موضوع را نمود حرف اضافه‌ای نامید و براساس آزمون in و for می‌توان دسته‌بندی زیر را در زبان انگلیسی پذیرفت:

حروف اضافه محدود: to, into, onto, from, out of, off, away from, past, via

حروف اضافه نامحدود: along, towards

حروف اضافه محدود یا نامحدود: across, around, down, over, through, up

وی (۴:۲۰۰۵) حروف اضافه مکانی را غیرغایتی/ بدون‌هدف<sup>۴</sup> و آنها را نظیر حالت ایستایی در مقوله فعل‌ها می‌داند. همچنین حروف اضافه مسیری را همسو با قیدهای جهتی می‌داند و

1. extension
2. orient
3. zwarts
4. atelic

معتقد است که بسیاری از قیده‌های جهتی از قبیل up و away مانند حروف اضافه مسیری عمل می‌کنند و هرگاه صحبت از مسیر و نمود می‌شود گاه به قیود اشاره می‌کند.

#### ۴- تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱- مفاهیم حروف اضافه مکانی فارسی

حرف اضافه‌ها در زبان فارسی به دو شکل مشاهده می‌شوند:

الف) لازم؛ مانند: جلو، عقب، پایین، بالا و ...

ب) متعددی؛ هنگامی که حرف اضافه همراه اسمی می‌آید، مانند روی میز، زیر میز، بالای میز. که شیء ارجاعی در جایگاه متمم حرف اضافه، پس از آن قرار گیرد. گاهی نیز ممکن است دو شیء ارجاعی داشته باشد مانند مابین مربع و دایره، آن سوی جاده از طرف آتش‌نشانی.

##### ۴-۲- مفهوم مکان (رویداد ایستایی)

یکی از مواردی که به مکان اشاره دارد، در رویدادهای ایستایی است. مفهوم [مکان] به بودن در یک نقطه یا ناحیه‌ای اشاره دارد. در رویداد ایستایی، شیء یا شخص مکانی را اشغال می‌کند. پس [مکان] به جایی گفته می‌شود که شیء یا شخصی آن محل را اشغال کند. مانند:

۱- کتاب روی میز است.

۲- علی در کلاس است.

در مثال‌های ۱ و ۲ فعل جمله اسنادی است و وجود چیزی را در مکانی نشان می‌دهد. در این نمونه‌ها صرفاً کسی یا چیزی در محلی نشان داده می‌شود. علاوه‌بر آن، مفهوم [مکان] می‌تواند بیانگر محل رخداد یک رویداد باشد، مثال:

۳- در رشت باران زیادی می‌بارد.

##### ۴-۳- مفهوم مسیر (رویداد حرکتی)

هنگامی که حرکت در رویداد فعل رخ می‌دهد، در این جابه‌جایی مسیری طی می‌شود و مفهوم [مسیر] مطرح می‌شود.

• یک [مسیر] اغلب از یک حرف اضافه به عنوان [مسیرنما] و یک [شیء ارجاعی] تشکیل می‌شود، مانند به خانه، تا مدرسه دوید، پیرامون شهر گشت.

گاهی یک حرف اضافه در یک بافت نقش مکانی و در بافتی دیگر نقش مسیری دارد، مانند حرف اضافه زیر در مثال‌های ۴ و ۵:



۴- موش زیر میز است. (حرف اضافه مکان نما)

۵- موش زیر میز رفت. (حرف اضافه مسیرنما)

در مثال ۴، چون فعل جمله (ایستایی) است، حرف اضافه زیر [مکان‌نما] محسوب می‌شود. در اغلب موارد قبل از حرف اضافه [مکان‌نما] می‌توان حرف اضافه در را اضافه کرد. مانند موش در زیر میز است. در مثال ۵، چون فعل جمله (حرکتی) است، حرف اضافه زیر [مسیرنما] محسوب می‌شود. در اغلب موارد قبل از حرف اضافه [مسیرنما] می‌توان حرف اضافه به اضافه کرد مانند: موش به زیر میز رفت. پس این تفاوت معنایی برخاسته از نوع فعل است: چنانچه فعل اسنادی یا فعل ایستایی باشد، [مکان] مطرح است ولی اگر فعل مفهوم رویداد حرکتی داشته باشد، خوانش [مسیری] مطرح می‌شود.

• البته این بدان معنی نیست که مسیر لزوماً باید با رویداد حرکتی همراه باشد، بلکه مسیر می‌تواند امتداد و یا جهت را برساند که در این صورت رویداد حرکتی نیست مانند:

۶- این بزرگراه از آستارا تا مشهد امتداد دارد. (امتداد)

۷- این تابلو به طرف شیراز را نشان می‌دهد. (جهت)

در بعضی از زبان‌ها (برای مثال انگلیسی) ممکن است برای یک مفهوم دو واژه جداگانه برای حروف اضافه مکانی و مسیری وجود داشته باشد (in و into که اولی حرف اضافه مکانی و دومی حرف اضافه مسیری است) ولی در فارسی چنین تمایزی وجود ندارد و برای حرف اضافه مکانی و حرف اضافه مسیری از واژه‌های مشترکی استفاده می‌شود. از بین حروف اضافه فارسی فقط از، به، پی، تا، دنبال، سوی نقش مسیری محض دارند و بقیه حروف اضافه بین مکانی و مسیری مشترک‌اند:

اندر، اندرون، بالای، بر، برابر، بیرون، بین، پای، پایین، پس، پشت، پهلو، پیرامون، پیش، تحت، توی، ته، جلوی، جنب، خارج، داخل، در، درون، دم، دور، رو به روی، روی، زیر، عقب، فوق، کنار، گرد، مقابل، میان، نزد، نزدیک، وسط.

نکته دیگر اینکه در مقایسه با بعضی از زبان‌ها، برای مثال آلمانی که در آن بعضی از حروف اضافه مکانی و مسیری در ساختار نحوی جمله، رفتار متفاوتی دارند، در فارسی این تمایز رفتاری به چشم نمی‌خورد و تفاوتی در ساختار نحوی ایجاد نمی‌کند؛ چنانکه در نمونه آلمانی و فارسی زیر پیداست:

Die Katze sitzt unter dem Auto.

۸- گربه زیر ماشین می‌نشیند.

Die Katze geht unter das Auto.

۹- گربه به زیر ماشین می‌رود.

تعدادی از حروف اضافه آلمانی از قبیل unter (زیر) هرگاه نقش مکانی داشته باشد کلمه بعد از آن، حالت مفعول غیر صریح می‌گیرد (مثال شماره ۸)؛ در حالی که همین حرف اضافه هرگاه نقش مسیری داشته باشد، حالت مفعولی صریح را به واژه (اسم) پس از خود اعطا می‌کند (مثال شماره ۹). اما در زبان فارسی در هر دو شکل یکسان است.

#### ۴-۴- مسیره‌های محدود و نامحدود

گروه‌های حرف اضافه مکانی، بر مبنای نظریه معنایی شناختی مطرح در این پژوهش، به دو نوع [مکان] و [مسیر] دسته‌بندی می‌شوند. مسیره‌ها بر طبق رابطه‌شان با شیء یا مکان ارجاعی به سه گروه کلی طبقه‌بندی می‌شوند:

#### ۴-۴-۱- مسیره‌های محدود

در مسیره‌های محدود، مبدأ و یا مقصد مسیر مشخص است و این گروه خود شامل دو دسته مسیر مبدأها و مسیر مقصدها می‌شود. در مسیر مبدأها، آغاز مسیر و در مسیر مقصدها، انتهای مسیر مشخص است. مسیره‌های محدود گروه اول دسته‌بندی جکندوف از مسیره‌ها را تشکیل می‌دهد و در آنها مقدار مسیر ثابت و افزایش‌پذیر نیست. در فارسی برای دسته مسیرمبدأها حرف اضافه از و برای مسیر مقصدها حرف اضافه به یا تا استفاده می‌شود، مثال:

۱۰- من از خانه پیاده آمدم. (مسیرمبدأ)

۱۱- مریم به خانه رفت. (مسیرمقصد)

۱۲- برخی از مردم تا محل کارشان پیاده می‌روند. (مسیرمقصد)

در فارسی حرف اضافه از و همچنین حرف اضافه به می‌توانند به صورت یکی از ترکیبات زیر هم به کار بروند و همگی به مسیره‌های محدود اشاره می‌کنند.

از: از بالای، از بیرون، از بین، از پایین، از پشت، از پهلوی، از پیش، از توی، از جلوی، از خارج، از داخل، از درون، از روبه‌روی، از روی، از زیر، از عقب، از کنار، از لای، از مقابل، از میان، از وسط.

به: به بالای، به بیرون، به پایین، به پشت، به توی، به جلوی، به داخل، به درون، به زیر، به عقب، به کنار، به مقابل، به میان، به وسط.

بنابراین با حضور حرف اضافه‌هایی که نقطه مشخصی را نشان می‌دهند، فضا محدود می‌شود:

از بالای: امیر از بالای دایو شیرجه زد. (مسیر مبدأ، محدود)

به بالای: او به بالای دیوار رفت. (مسیر مقصد، محدود)

از بیرون: از بیرونِ مدرسه صدایِ سرود شنیده می‌شد. (مسیر مبدأ، محدود)  
 به بیرون: او به بیرونِ مغازه رفت. (مسیر مقصد، محدود)  
 از روی: آن را از رویِ میز برداشت. (مسیر مبدأ، محدود)  
 به پایین: ماشین از بالایِ جاده به پایین دره سقوط کرد. (مسیر مقصد، محدود)

در این مثال‌ها پیداست که در جمله اول نقطه شروع مسیر با حرف اضافه از بالایِ مشخص شده و در نتیجه مسیر مبدأ محسوب می‌شود و مسیر محدود به شمار می‌آید، اما در جمله دوم نقطه پایان مسیر با حرف اضافه به بالایِ مشخص شده است و بر طبق نظر جکندوف مسیر مقصد محسوب می‌شود و در نتیجه مسیر محدود به شمار می‌آید.

#### ۴-۲- مسیره‌های نامحدود

مسیره‌های نامحدود، خود شامل گروه مسیره‌های جهتی (جهت‌نماها) و گروه خط سیره‌ها (از مسیر) می‌شود.

در مسیره‌های نامحدود، مسیره‌های جهتی یا جهت‌نماها برخلاف گروه قبلی (یعنی مسیره‌های محدود)، نقطه مشخصی برای شروع یا پایان حرکت وجود ندارد. یعنی در این دسته از مسیره‌ها، شی یا مکان ارجاعی در داخل مسیر قرار ندارد بلکه فقط اگر مسیر باز هم ادامه پیدا کند به آن شی و یا مکان ارجاعی می‌رسد.

برای گروه مسیره جهتی در زبان فارسی رایج‌ترین حروف اضافه بیانگر جهت عبارت‌اند از: سوی، به سوی، به طرف و یا دور از:

۱۳- مریم به طرفِ خانه رفت. (مسیره جهتی، نامحدود)

۱۴- او به سویِ خانه رفت. (مسیره جهتی، نامحدود)

برای فهمیدن تمایز بین مسیره‌های محدود و مسیره‌های جهتی، باید توجه داشت که در مسیره‌های محدود مانند «مریم به خانه رفت» برداشت می‌شود که مریم به خانه رسیده است و عمل پایان یافته، درحالی که در مثال «مریم به طرفِ خانه رفت» مسیر جهتی است و کاملاً این امکان وجود دارد که هنوز به خانه نرسیده باشد. یعنی عمل پایان نیافته است.

در فارسی حرف اضافه به سوی در بیشتر به عنوان حرف اضافه مسیر جهتی به کار می‌رود:

۱۵- او به سوی چشمه آب دوید. (هنوز به چشمه نرسیده است) (مسیره جهتی، نامحدود)

البته گاهی در زبان فارسی حرف اضافه به سوی به معنی نزد است:

۱۶- او به سویِ من بازگشت.

این جمله به همان معنی «او به نزد من بازگشت» است که محدود محسوب می‌شود. در گروه دیگر از مسیرهای نامحدود یعنی خط سیرها یا از مسیر، شی یا مکان ارجاعی در جایی در داخل مسیر قرار می‌گیرد یعنی حرکت از نقطه‌ای آغاز می‌شود و پس از رسیدن به هدف از آن می‌گذرد و در خط سیری از آن مسیر عبور می‌کند و در امتداد آن حرکت می‌کند. در فارسی حرف اضافه از و ترکیبات آن (از بالای، از بیرون، از بین، از پایین، از پشت، از توی، از جلوی، از داخل، از درون، از روی، از زیر، از عقب، از کنار، از مقابل، از میان، از وسط) به شرطی که با فعل گذشتن، عبور کردن، رد شدن، پریدن و رفتن بیابند، می‌توانند، حرف اضافه بیانگر خط سیر یا از مسیر باشند:

از بالای: هواپیما از بالای خانه ما گذشت. (خط سیر، نامحدود)

از بین: قایق از بین پایه‌های پل عبور کرد. (خط سیر، نامحدود)

از پایین: او از پایین پل هوایی به آن طرف خیابان رفته بود. (خط سیر، نامحدود)

از توی: شیر از توی حلقه آتش پرید. (خط سیر، نامحدود)

از درون: نخ از درون سوراخ سوزن بیرون آمد. (خط سیر، نامحدود)

از زیر: ماشین از زیر پل عبور کرد. (خط سیر، نامحدود)

از کنار: ماشین عروس از کنار خانه ما گذشت. (خط سیر، نامحدود)

از مقابل: اتومبیل سارقان از مقابل پاسگاه پلیس رد شد. (خط سیر، نامحدود)

از مثال‌ها برمی‌آید که در گروه خط سیرها، شی متحرک به مکان ارجاعی نزدیک و بعد از آن دور می‌شود. بنابراین مکان ارجاعی در جایی در داخل مسیر قرار می‌گیرد. شی متحرک به طرف آن حرکت می‌کند اما بلافاصله از آن دور می‌شود و به مسیر خود ادامه می‌دهد.

#### ۴-۵- ابهام در مسیر در زبان فارسی

بررسی داده‌های فارسی نشان می‌دهد که همیشه پیش‌بینی محدودیت و نوع خوانش مسیر کار آسانی نیست. در مواردی مسیر ابهام دارد و می‌تواند دو خوانش معنایی داشته باشد، مثال: ۱۷- موش از زیر میز رفت.

در خوانش اول، می‌توان حرف اضافه «از» را مبدأ مسیر گرفت یعنی مسیر مسیر مبدأ است.



از، حرف اضافه مسیر نمای مبدأ، زیر، حرف اضافه مکان نما، زیر میز، مکان و میز، شیء ارجاعی است.

در خوانش دوم، می توان «از» را مسیرنمای خط سیر گرفت که ابتدا به زیر میز نزدیک می شود و سپس از آن دور. در واقع یک نوع VIA از راه، از مسیر است.



از، حرف اضافه مسیرنمای خط سیر، زیر، حرف اضافه مکان نما، زیر میز، مکان و میز، شیء ارجاعی است. به طور کلی هرگاه مفهوم گذشتن از مسیری مطرح باشد، حرف اضافه «از» دیگر مبدأ را نمی رساند بلکه به مفهوم VIA از راه است.

البته جمله «موش از زیر میز رفت» خوانش های مختلف دارد:

در خوانش اول، موش [از [زیر میز]] رفت. یعنی موش در ابتدا زیر میز بوده و حالا از آنجا رفته است. به عبارت دیگر، نقطه شروع حرکت زیر میز است.

در خوانش دوم، موش [از زیر [میز]] رفت. یعنی موش به سمت میز رفت و از زیر آن عبور کرد و دور شد. به عبارت دیگر، نقطه شروع حرکت به طرف میز بوده و نه خود میز.

##### ۵- بررسی حدنمایی حروف اضافه فارسی

زورآرت برخلاف جکندوف به صراحت حروف اضافه را از نظر محدودیت یا نامحدودیت سه دسته می کند: حروف اضافه محدود؛ حروف اضافه نامحدود؛ حروف اضافه مشترک محدود و نامحدود. وی (۲۰۰۵) معتقد است که حروف اضافه همانند مقوله های اسم و فعل در نمود جملات تأثیر دارند و مفاهیم متفاوتی در ذهن ایجاد می کنند. چنانکه در مقوله اسم و فعل این توصیف بارها و بارها دیده شده است که خود شیء می تواند محدود و نامحدود توصیف شود، برای مثال واژه نان زمانی که اسم غیرقابل شمارش باشد، نامحدود است ولی زمانی که اسم قابل شمارش یعنی به مفهوم قرص نان باشد، محدود محسوب می شود. یا فعل دوید که در جمله «علی دوید» یک فرایند با نمود نامحدود است اما در جمله «علی یک کیلومتر دوید» یک رویداد با نمود محدود است. حروف اضافه نیز از این لحاظ با اسم و فعل تفاوتی ندارند و دارای نمود محدود و نامحدودند.

یکی از راه های تشخیص محدود و نامحدود بودن حروف اضافه، آزمون حضور قید زمان و تغییر نمود جمله است. رفتار متفاوت حروف اضافه با استناد بر آزمون ورود قید زمان (به مدت

یا ظرف مدت) محدودیت و یا نامحدودیت رویداد حرکتی را نشان می‌دهد. چنانچه جمله با قید زمان در مدت یا ظرف مدت مورد قبول باشد، این نوع جمله فضا محدود است. یعنی عمل به نقطه پایانی رسیده است و دیگر نمی‌توان آن عمل را ادامه داد. اما قید زمان به مدت یا برای مدت جمله نامحدود را می‌رساند. یعنی فقط طول مدت انجام عمل را نشان می‌دهد بدون اینکه به پایان عمل اشاره‌ای کند. به بیان دیگر، در حالت اول، به لحاظ زمانی کنش آنقدر طول کشید تا آن کار به انجام برسد ولی دیگری نشان می‌دهد که فقط زمانی صرف آن کار شده است بدون اینکه کار کاملاً پایان پذیرد. پس جملات محدود به فضا و گسترش فاصله تا حد مقید و جملات نامحدود به یک فضا و گستره نامقید اشاره می‌کنند:

۱۸- سارا ظرف ده دقیقه آن نقاشی را کشید. (محدود)

۱۹- سارا برای مدت ده دقیقه نقاشی کشید. (نامحدود)

در جمله ۱۸ کار کشیدن نقاشی به پایان رسیده و جمله محدود است. در جمله ۱۹ نقاشی هنوز به پایان نرسیده و جمله نامحدود است. بنابراین کمیتی مانند فضا با درجه گستردگی متفاوت (محدود، نامحدود) در تعامل است.

#### ۵-۱- حروف اضافه محدود در فارسی

حروف اضافه محدود در زبان فارسی عبارت‌اند از: از، به، تا

۲۰- دانشجویان از کوه پایین آمدند.

۲۰-الف- دانشجویان ظرف دو ساعت از کوه پایین آمدند. (محدود)

۲۰-ب- دانشجویان برای مدت دو ساعت از کوه پایین آمدند.

در جمله ۲۰-الف- کار به پایان رسیده است ولی در جمله (ب) کار هنوز به پایان نرسیده است.

۲۱- آنها پیاده به روستایشان رفتند.

۲۱-الف- آنها ظرف نیم ساعت پیاده به روستایشان رفتند. (محدود)

۲۱-ب- آنها برای مدت نیم ساعت پیاده به روستایشان رفتند.

در جمله ۲۱-الف- نیم ساعت طول کشید تا آنها به روستایشان برسند و کار به پایان

رسیده است. در جمله ۲۱-ب- آنها هنوز به روستایشان نرسیده‌اند.

۲۲- علی تا مدرسه دوید.

۲۲-الف- علی ظرف نیم ساعت تا مدرسه دوید. (محدود)

۲۲-ب- علی برای مدت نیم ساعت تا مدرسه دوید.

در جمله ۲۲-الف- علی به مدرسه رسید.

## ۵-۲- حروف اضافه نامحدود در فارسی

حروف اضافه نامحدود در زبان فارسی عبارت‌اند از: به سوی، در، روی، در بالای، در کنار، روی، مقابل، میان.

۲۳- من پیاده به سوی خانه رفتم.

۲۳-الف- من ظرف نیم ساعت پیاده به سوی خانه رفتم.

۲۳-ب- من برای مدت نیم ساعت پیاده به سوی خانه رفتم. (نامحدود)

۲۴- بچه روی حصیر بازی کرد.

۲۴-الف- بچه ظرف نیم ساعت روی حصیر بازی کرد.

۲۴-ب- بچه برای مدت نیم ساعت روی حصیر بازی کرد. (نامحدود)

۲۵- او مقابل خُضار ویولن زد.

۲۵-الف- او ظرف نیم ساعت مقابل خُضار ویولن زد.

۲۵-ب- او برای مدت نیم ساعت مقابل خُضار ویولن زد. (نامحدود)

۲۶- امیر میان شهر رانندگی کرد.

۲۶-الف- امیر ظرف مدت دو ساعت میان شهر رانندگی کرد.

۲۶-ب- امیر برای مدت دو ساعت میان شهر رانندگی کرد. (نامحدود)

## ۵-۳ حروف اضافه هم محدود و هم نامحدود در زبان فارسی

برخی از حروف اضافه رفتاری دوگانه دارند و در حدنمایی آنها ابهام وجود دارد. به بیان ساده‌تر هر دو وضعیت محدود و نامحدود را در موقعیت‌های متفاوت نشان می‌دهند (گروه سوم).

حروف اضافه مشترک محدود و نامحدود در فارسی عبارت‌اند از: از روی، از میان،

بالای، به داخل، بین، پیش، دور

۲۷- او بین ساحل فرانسه و انگلیس شنا کرد.

۲۷-الف- او ظرف ۱۲ ساعت بین ساحل فرانسه و انگلیس شنا کرد. (محدود)

۲۷-ب- او برای یک ساعت بین ساحل فرانسه و انگلیس شنا کرد. (نامحدود)

جمله ۲۷-الف- این مفهوم را می‌رساند که قهرمان شنا توانست ظرف ۱۲ ساعت از ساحل

فرانسه تا ساحل انگلیس شنا کند و فضا محدود است. اما جمله ۲۷-ب- فقط این مفهوم را

می‌رساند که او در فاصله فضای میان ساحل فرانسه و انگلیس برای مدت یک ساعت شنا کرد.

۲۸- علی دور پارک دوید.

۲۸-الف- علی ظرف نیم ساعت دور پارک را دوید. (محدود)

۲۸-ب- علی برای مدت نیم ساعت دور پارک دوید. (نامحدود)

جمله ۲۸-الف- این مفهوم را می‌رساند که نیم ساعت طول کشید تا علی یک دور، به دور پارک بدود. اما جمله ۲۸-ب- فقط این مفهوم را می‌رساند که علی نیم ساعت دور پارک دوید و معلوم نیست که حتی یک دور هم زده باشد.

• تعدادی حروف اضافه مانند پیش، به داخل، از توی، از روی، بالای، از میان هم وجود دارند که در آزمون in و for با هر دو حرف اضافه سازگاری دارند، ولی تفاوت معنایی ایجاد می‌کنند.

۲۹-الف- علی ظرف سه روز پیش برادرش رفت.  
۲۹-ب- علی برای مدت سه روز پیش برادرش رفت.

مثال ۲۹-الف- یعنی سه روز طول کشید تا پیش برادرش برود. اما مثال ۲۹-ب- یعنی پیش برادرش رفت تا سه روز نزد او بماند.  
۳۰-الف- علی ظرف ده دقیقه به داخل اتاق آمد.  
۳۰-ب- علی به مدت ده دقیقه به داخل اتاق آمد.

مثال ۳۰-الف- یعنی ده دقیقه طول کشید تا او به داخل اتاق بیاید. اما مثال ۳۰-ب- یعنی او به داخل اتاق آمد تا ده دقیقه در آنجا بماند.

۳۱-قطار از توی تونل عبور کرد.

۳۱-الف- قطار به مدت یک ربع ساعت از توی تونل عبور کرد. (نامحدود)

۳۱-ب- قطار ظرف یک ربع ساعت از توی تونل عبور کرد. (محدود)

مثال ۳۱-الف- یعنی قطار به مدت یک ربع در داخل تونل حرکت کرد. مثال ۳۱-ب- یعنی یک ربع طول کشید تا قطار از داخل تونل خارج شود.

۳۲-ماشین از روی پل عبور کرد.

۳۲-الف- ماشین به مدت یک ربع از روی پل عبور کرد. (نامحدود)

۳۲-ب- ماشین ظرف یک ربع از روی پل عبور کرد. (محدود)

مثال ۳۲-الف- یعنی ماشین یک ربع روی پل حرکت کرد و هنوز روی پل است. مثال ۳۲-ب- یعنی ماشین ظرف یک ربع از روی پل گذشت و دیگر روی پل نیست.

۳۳-هلیکوپتر بالای برج ایفل پرواز کرد.

۳۳-الف- هلیکوپتر برای نیم ساعت بالای برج ایفل پرواز کرد. (نامحدود)

۳۳-ب- هلیکوپتر ظرف نیم ساعت بالای برج ایفل پرواز کرد. (محدود)

مثال ۳۳-الف- یعنی هلیکوپتر برای نیم ساعت در بالای برج ایفل پرواز کرد. مثال ۳۳-ب- یعنی هلیکوپتر ظرف نیم ساعت به بالای برج ایفل پرواز کرد.



۳۴- من از میان جنگل عبور کردم.

۳۴-الف- من به مدت نیم ساعت از میان جنگل عبور کردم. (نامحدود)

۳۴-ب- من ظرف نیم ساعت از میان جنگل عبور کردم. (محدود)

مثال ۳۴-الف- یعنی من نیم ساعت در میان جنگل عبور کردم و هنوز در جنگل هستم.

مثال ۳۴-ب- یعنی من از آن طرف جنگل بیرون آمدم.

به‌طور کلی حروف اضافه زبان فارسی را نمی‌توان فارغ از جملات به‌کاررفته در آنها بر مبنای حدنمایی دسته‌بندی نمود زیرا محدودیت و نامحدودیت بستگی به کاربرد و نقش آن حرف اضافه در جمله دارد. به عبارت دیگر، یک حرف اضافه در بافتی ممکن است محدود و در بافتی دیگر نامحدود به کار رود. در جمله «گل‌های زیبایی بالای کوه روییده بود»، مقصود از بالای کوه یا در بالای کوه یک حرف اضافه مکانی است که بر طبق نظر زوآرت حرف اضافه نامحدود محسوب می‌شود. ولی در جمله «او بالای کوه رفت»، بالای کوه یا به بالای کوه حرف اضافه مسیر مقصد است و در نتیجه حرف اضافه محدود محسوب می‌شود.

علاوه بر این، گاه یک حرف اضافه می‌تواند در یک جمله به صورت حرف اضافه متعدی به

کار برود و در جمله‌ای دیگر به صورت حرف اضافه لازم و بدون متمم، مانند:

۳۵- معلم به عقب کلاس برگشت. (مسیر مقصد، حرف اضافه محدود)

۳۶- به عقب نگاه کن. (خط سیر، حرف اضافه نامحدود)

گاه یک جمله را می‌توان با خوانش معنایی محدود یا نامحدود حساب کرد، مانند:

۳۷- آنها از کوه بالا رفتند.

خوانش اول، یعنی آنها به بالاترین نقطه کوه رسیدند. یعنی مسیر را تا آخر طی کردند. پس

جمله دارای نمود محدود است. در خوانش دوم، یعنی آنها فقط مقداری از مسیر را تا بالای

کوه طی کردند؛ یعنی هنوز تا بالاترین نقطه کوه نرفتند. پس جمله دارای نمود نامحدود است.

## دسته‌بندی حروف اضافه فارسی

از، از بالای، از بیرون، از پشت، از پهلوی، از پیش، از توی، از جلوی، از داخل، از درون، از روی، از زیر، از عقب، از کنار، از لای، از مقابل، از میان، از وسط.	مسیر مبدأها	}	محدود
به، به بالای، به بیرون، به پشت، به جلوی، به پیش، به توی، به جلوی، به داخل، به درون، به روی، به زیر، به عقب، به کنار، به لای، مقابل، به میان، به وسط، تا.	مسیر مقصدها		محدود
به بالا، به بیرون، به پایین، به پشت، به جلو، به خارج، به داخل، به سوی، به طرف، به عقب، سوی.	جهتی‌ها	}	نامحدود
حرف اضافه زیر به شرطی که با فعل گذشتن، عبور کردن، رد شدن همراه باشند: از بالای، از بیرون، از بین، از پایین، از پشت، از پهلوی، از پیش، از توی، از جلوی، از خارج، از داخل، از درون، از دم، از روبه روی، از زیر، از کنار، از مقابل، از میان، از ن نزدیک، از وسط، اندر، اندرون، بالای، بر، برابر، به سوی، بیرون، پایین، پس، پشت، پهلوی، پی، پیرامون، پیش، تحت، توی، ته، جلوی، جنب، خارج، داخل، در، در امتداد، در کنار، درون، دم، دنبال، روبه روی، روی، زیر، زیر، سوی، عقب، کنار، مقابل، میان، نزد، نزدیک، وسط.	خط سیرها		نامحدود

مشترک (هم محدود هم نامحدود) { از توی، از روی، از میان، بالای، به داخل، بین، پیش، دور.

بررسی بیشتر داده‌های فارسی نشان می‌دهد که فعل‌های شیوه‌نمای حرکتی (افعالی که در حالت عادی نقطه پایانی ندارند و غیرغایتی در نظر گرفته می‌شوند، مانند شنا کردن یا پیاده رفتن) هنگامی که با حروف اضافه جهتی به کار بروند، نتایج متفاوتی به دست می‌آید. یعنی کاربرد حروف اضافه بر عملکرد کنش فعلی و تغییر نمود آن تاثیرگذار است، مانند:

۳۸- او شنا کرد. (نامحدود)

۳۸- الف- او ظرف نیم ساعت تا ساحل شنا کرد. (محدود)

۳۸- ب- او برای مدت نیم ساعت تا ساحل شنا کرد. (نامحدود)

پژوهشگاه ملی زبان و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ۶- نتیجه‌گیری

حروف اضافه همانند مقوله‌های اسم و فعل در حدنمایی جملات تأثیر دارند یعنی از این لحاظ با اسم یا فعل هیچ تفاوتی ندارند و دارای نمود محدود و یا نامحدود هستند. حروف اضافه به سه دسته محدود، نامحدود و مشترک میان آن دو تقسیم می‌شوند. تعدادی از حروف اضافه از قبیل از، به، تا و ترکیبات آنها از قبیل از بالای، از بیرون، از پشت، از پهلو، از پیش و مانند اینها حروف اضافه محدود هستند. هنگامی که با یکی از فعل‌های گذشته، عبور کردن، رد شدن و ... همراه باشند، حرف اضافه نامحدود محسوب می‌شوند. علاوه بر آن حروف اضافه به سوی، به طرف، به بالا، به پایین، به جلو، به عقب دلالت بر مسیر نامحدود می‌کنند. حروف اضافه به بیرون، به پایین، به پشت، به پهلو، به پیش، به تو، به جلو، به خارج، به داخل، به سوی، به طرف، به عقب، پی، دنبال، سوی و مانند اینها به گروه حروف اضافه نامحدود تعلق دارند. حروف اضافه مسیری بین، دور، گرد به گروه حروف اضافه مشترک (هم محدود هم نامحدود) تعلق دارند. اما بررسی دقیق جملات فارسی نشان می‌دهد که نقش حروف اضافه به گونه‌ای است که گاهی ابهام دارند؛ یعنی در یک خوانش معنایی می‌تواند حرف اضافه محدود در نظر گرفته شود و با خوانش معنایی دیگر آن را می‌توان حرف اضافه نامحدود حساب کرد. حروف اضافه زبان فارسی را نمی‌توان فارغ از جملات به کار رفته در آنها بر مبنای حدنمایی دسته‌بندی نمود. زیرا محدودیت و نامحدودیت بستگی به کاربرد و نقش آن حرف اضافه در جمله دارد. به عبارت دیگر یک حرف اضافه در بافتی ممکن است محدود باشد و در بافتی دیگر به صورت نامحدود به کار برود. با این وصف، نگارندگان سعی نموده‌اند جدولی از حروف اضافه محدود و نامحدود فارسی ارائه نمایند. هرچند بعضی از حروف اضافه جایگاهشان ثابت نیست و می‌توانند در یک بافت محدود و در بافتی دیگر نامحدود بیابند.

## منابع

- بامشادی، پ و انصاریان، ش. ۱۳۹۳. «چند معنایی "تا" در چهارچوب معناشناسی شناختی»، مجموعه مقالات دانشگاه تهران، نخستین کنفرانس ملی معنی‌شناسی و نحو زبان‌های ایرانی، به کوشش مینا رضویان، ۷۵-۹۲.
- بامشادی، پ و انصاریان، ش. ۱۳۹۳. «حرف اضافه یا اسم جایگاه‌نما؟»، مجموعه مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران، به کوشش محمد دبیرمقدم، ۲۴۹-۲۶۴.

- مهدی بیرقدار، ر و درزی، ع. ۱۳۹۰. «حذف حروف اضافه قبل از عناصر مکان‌نما»، *شعریژوهی (بوستان ادب)*، ۳ (۴): ۱۳۹-۱۶۶.
- راسخ مهند، م. ۱۳۸۹. «بررسی معانی حروف اضافه مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی شناختی»، *ادب پژوهی*، ۴ (۱۴): ۴۹-۶۶.
- راسخ مهند، م و رنجبر ضرابی، ن. ۱۳۹۲. «بررسی شبکه معنایی حروف اضافه در و سر»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، ۵ (۵): ۹۵-۱۱۲.
- زاهدی، ک و محمدی‌زیارتی، ع. ۱۳۹۰. «شبکه معنایی حرف اضافه فارسی از در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۳ (۱): ۶۷-۸۰.
- غلامعلی‌زاده، خ. ۱۳۷۷. *ساخت زبان فارسی*، تهران: احیاء کتاب.
- گلفام، ا و یوسفی‌راد، ف. ۱۳۸۵. «بررسی حروف اضافه در چارچوب شناختی: مطالعه موردی حروف اضافه در/توی»، *زبان و زبان‌شناسی*، ۲ (۳): ۳۳-۴۶.
- گلفام، ا و دیگران. ۱۳۸۸. «بررسی حرف اضافه از در چارچوب معناشناسی شناختی و مقایسه آن با رویکرد سنتی»، *زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۱۰): ۶۹-۸۰.
- ماهوتیان، ش. ۱۳۹۳. *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه م. سمائی. تهران: مرکز. مختاری، ش و رضایی، ح. ۱۳۹۲. «بررسی شناختی حرف اضافه با در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۹۰ (۹۰): ۷۳-۹۴.
- مشکوه‌الدینی، م. ۱۳۹۱. *دستور زبان فارسی: واژگان و پیوندهای ساختی*. تهران: سمت.
- Corver, N. 2015. *(Un) boundedness across syntactic categories*. Utrecht Institute of Linguistics- OTS, Utrecht University.  
[http://norbert.abelcorver.com/wp-content/uploads/2010/10/Corver\\_2015\\_Unboundedness.pdf](http://norbert.abelcorver.com/wp-content/uploads/2010/10/Corver_2015_Unboundedness.pdf)
- Cappelle, B & Declerck, R. 2012. *Spatial and temporal boundedness in English motion events*. HAL.  
<https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-00660399>
- Jackendoff, R. 1983. *Semantics and cognition*, Cambridge, MIT press.
- Zwarts, J.(2005). Prepositional aspect and the algebra of paths. *Linguistics and Philosophy* 28(6): 739-779.